

## روانشناسی معامله در بورس

در بازار سهام نصف شباهاتمان ناشی از این است که وقتی باید فکر کنیم، احساس می‌کنیم و وقتی که باید احساس کنیم، فکر می‌کنیم هیچ انتظاری از کسی ندارم! و این نشان دهنده ی قدرت من نیست! مسئله، خستگی از اعتمادهای شکسته است. وقتی چیزی را از دست می‌دهید، درس گرفتن از آن را از دست ندهید. شکست باید انرژی خفته ما را بیدار کند

یک روش فوق کارآمد و موثر برای خرید یا فروش یک نماد:

در بین ساعات معاملاتی زمانهایی که معامله روی نمادانجام نمی‌گردد به باکس عرضه و تقاضا نگاه کنید ببینید معامله بیشتر در قیمت فروشنده است یا نه خریدار؟ اگر معامله در قیمت های فروشنده بود سهم رشمیکند و اگر در قیمت های خریدار سهم افت میکند. نکته مهم این موضوع زمان وقفه بین معاملات است که در واقع تعیین کننده است زیرا هر کدام از فروشنده و یا خریدار با توجه به اخباری که از آینده سهم دارندو یا شناختی که ارزش سهم دارد حاضر است در این زمان قیمت گذاری کند. سه راه برای رسیدن به معرفت وجود دارد. اولی تفکر است که بهترین راه است. دومی تقلید است که آسانترین است و سومی تجربه که تلخ ترین است.

## راز موفقیت در بازار سهام

### تنوع سازی

تمام پول خود را در يك سهم یا در مجموعه سهام يك صنعت سرمایه‌گذاری نکنید. ترجیحا می‌توان گفت هرگز کل پول خودتان را انحصارا در بازار سهام سرمایه‌گذاری نکنید. هرگز به يك سهم تعصب نشان ندهید همیشه حد ضرر را مشخص کرده و بکارگیرید. چگونه شما خواهید فهمید که تصمیم اشتباه اتخاذ کرده‌اید؟ به صورت ساده قبل از اینکه معامله‌ای انجام دهید بنویسید چه مقدار ضرر برای این سهم حاضرید تحمل کنید اگر قیمت سهم پایین بیاید. 2 درصد، 4 درصد، 10 درصد، 15 درصد؟ يك حد ضرر را در ذهنتان در نظر بگیرید که از هزینه خرید شما تا حدی پایین خواهد بود. اگر قیمت سهم به پایین‌تر از آن نزول کرد شما باید آن را بفروشید و از سهم خارج شوید و اگر قیمت سهم دوباره بالا رود احساس بدی نداشته باشید و متاثر نشوید. در سقف بفروشید و در کف بخرید:

به نظر ساده است؟ بله اما ساده نیست برای اینکه اگر شخص از اکثریت بازار تبعیت کرده باشد، پول زیادی را در بازار از دست نخواهد داد. همیشه رازی را در نظر بگیرید که می‌تواند موفقیت شما را در بازار سرمایه تضمین کند. هر 6 ماه یا در هر سال قیمت سهام حدود 30 درصد پایین می‌آید، یعنی زمان خرید است و برعکس اشخاصی هستند که بر اساس اخبار و شایعات قیمت سهام را بالا می‌برند که آن، زمان فروش است.

ترس و طمع را از خود دور کنید.

هرگز از میانگین خارج نشوید:

چاقوی در حال افتادن را نگیر

هرگز برای دریافت اطلاعات (شایعات) پولی پرداخت نکنید  
استقراض پول:

هرگز با پولی که متعلق به شما نیست سهام خرید. شما تنها باید با پول خودتان سهام خریداری کنید پولی که در آینده نزدیک مورد نیازتان نیست و تصور نکنید که قسمت عمده آن را در بازار از دست خواهید داد.  
زمان:

این موضوع در بازار سهام بسیار مهم است اما کمتر در این مورد صحبت شده است. هر سرمایه‌گذاری از کارشناس سرمایه سوال می‌کند چه سهمی را باید بخرد. اما هرگز سوال نمی‌کند چه زمانی برای خرید سهام مناسب است. اگر وارد سهمی خوب شوید اما در زمان نادرست، شما ضرر خواهید کرد و اگر وارد سهم بدی شوید اما در زمان درست، ممکن است به طور تصادفی سود کنید. اگر شما سهم خوبی خریداری کنید بعد از اینکه به اندازه کافی بالا رفت شما برای یک ضرر آماده می‌شوید.

اهمیت تعیین حد ضرر:

برای اینکه شما ریسک سرمایه‌گذاریتون رو کنترل کنید موثرترین راه اینه که برای هر خریدی که میکنید یه حدی رو مشخص کنید که اگر قیمت پایانی از اون حد پایینتر اومد با پذیرش ضرر سرعت از سهم خارج شوید و این کمک میکنه که اگر خریدی درست انجام نشده دیگه با سماجت در حالت ضرر نمونیم حالا این حد ضرر رو چه جوری مشخص کنیم یک راهش اینه که شما مهمترین حمایت نزدیک سهم رو نقطه حد ضررتون قرار بدید اگه به ارزندگی سهمی که میخری اعتقاد داشته باشی و اون اعتقاد درست باشه، بازار هم کم کم پی به ارزندگی اون می‌بره. یک نکته رو همیشه به خاطر داشته باشید که همیشه نمیتونی در کف قیمت بخری و در سقف قیمت هم بفروشی.

حس و حال شخص در زمان معامله مهم است

اگر شما هم زیاد معامله می‌کنید حتما چنین احساساتی را تجربه کرده‌اید. در واقع، باید به حس و حال خود در زمان انجام معامله توجه کنید. هیچ کس شما را مجبور به انجام معامله نکرده است، بنابراین اگر به طور مثال کمی سر درد دارید، آن روز را کار نکنید و به خود استراحت دهید. سعی کنید کار متفاوتی انجام دهید، مثلا کتابی را که مدت‌ها است از کتابخانه امانت گرفته‌اید و مهلت آن تمام شده است، تحویل دهید. رفتن به یک پیک نیک هم خوب است. خواهید دید که بدون هیچ تلاش اضافی همه چیز بهتر پیش خواهد رفت. یاد بگیرید فقط هنگامی که از چارچوب ذهنی و روحی خوبی برخوردار هستید، معامله انجام دهید. از این طریق، تصمیمات شما دیگر متاثر از احساسات شما نخواهند بود و در نهایت خواهید توانست با قاطعیت و موفقیت بیشتری به معاملاتتان ادامه دهید.

احساس دودلی را بپذیرید

اگر به شدت در مورد یک معامله فکر کنید، احتمالا در آن واحد احساسات متفاوتی در مورد آن دارید. برخی از شاخص‌ها بیانگر و علامتی برای خرید و برخی دیگر نشانگر فروش هستند. با این حال، هنگامی که یک تصمیم معاملاتی اتخاذ می‌کنید، این تردید و دودلی باید محو شود. اگر به اندازه کافی معامله کنید، اغلب مشکل دودلی خود به خود حل می‌شود. در

واقع تجربه کافی باعث از بین رفتن این احساس مزاحم خواهد شد. پس از اینکه روز معاملات شما به پایان می‌رسد، می‌توانید کمی بیشتر فعالیت‌های خود را به صورت تمرین ادامه دهید تا انجام چنین کارهایی برایتان ملکه و بسیار معمولی شود. برای اینکه با قطعیت بیشتری معامله کنید، احساسات دودلی را از خود دور کنید و تصمیم بگیرید که معامله خواهید کرد یا نه. معامله‌گری را می‌شناختم که به جای اینکه به طور کل معاملات خود را متوقف کند، تنها مقدار بسیار ناچیزی از هر سهام را می‌خرید. از این طریق با اینکه مثلاً می‌دانست آن معامله به زیان او تمام می‌شود، آن را نمی‌فروخت تا بتواند با دقت بیشتری آن را دنبال کند و می‌دانست که سیستمش به موقع وارد عمل خواهد شد و تصمیم مناسب را به او خواهد گفت.

### احساس عدم امنیت و اضطراب

دو احساس عدم امنیت و اضطراب از عدم شناخت کامل از سیستم معاملاتی ناشی می‌شوند. مثلاً اگر سهامی را خریده‌اید و در حال حاضر قیمت آن در حال پایین آمدن است، در صورتی که می‌دانید بر اساس سیستم تکنیکال شما، معمولاً بیشتر از میزان مشخصی پایین نخواهد آمد؛ بنابراین می‌توانید به بهبود و بازگشت قیمت امیدوار باشید. شناخت کافی از چگونگی رفتار سیستم معاملاتی‌تان و انجام معامله بر اساس آن، احساس عدم امنیت و اضطراب را هنگامی که تصمیمات ما خوب عمل نمی‌کنند، بسیار کم خواهد کرد. چند بار پیش آمده است که همسر یا یکی دیگر از نزدیکان شما گفته است که با او برای گردش و تفریح بیرون بروید و پس از این که گردش به پایان رسید، دریافت‌اید که تجربه لذت‌بخشی داشته‌اید؟ این مثالی از علاقه مند شدن پس از درگیر چیزی شدن است.

اگر شما چیزی را امتحان نکنید، هرگز نخواهید فهمید واقعا آن را دوست دارید یا نه. کرامر، یک روانشناس بزرگ می‌گوید: تصمیم‌گیری موفق در گرو تعهد به تصمیم گرفته شده و همچنین نشان دادن علاقه و تلاش کافی در تلاش برای انجام آن کار است. معاملات موفق تنها در گرو تعهد به یادگیری صحیح معامله و عمل کردن بر مبنای آن است. تمرین کردن سیستم در معاملات مجازی می‌تواند بسیار خوب باشد، اما مشخص است که برای موفق شدن باید معاملات واقعی انجام دهید! اگر تعهد و زمان کافی برای یادگیری درست معاملات صرف کنید، بسیار کارآ خواهد بود. پیش از آنکه زیاد درگیر معاملات شوید، ابتدا زمانی را به آزمایش این کار (معاملات) اختصاص دهید. ببینید آیا این حرفه با سبک زندگی شما و میزان درآمد مورد انتظار شما مطابقت دارد؟ انجام معامله با قطعیت و اطمینان کافی، مستلزم داشتن تعهد به فرآیند است. همچنین باید به هر معامله به چشم موقعیتی برای بروز مهارت‌های خود بنگرید.

### همه چیز را نادیده بگیرید

اگر شما زمانی را برای طراحی و توسعه و تکمیل یک سیستم صرف کرده‌اید، و اکنون سیگنالی را صادر کرده است، آیا باید به حرف‌های تلویزیون مبنی بر اینکه بازار در روزهای آینده بسیار بد خواهد بود گوش فرا دهید؟ سعی کنید خود از تمام عوامل بازدارنده - که باعث می‌شوند از انجام یک معامله که در مورد آن اطمینان و دانش کافی دارید منصرف شوید. دوری کنید. در عوض بر معاملات خود و فرآیند آنها به دقت تمرکز کنید. معامله‌گران تازه کار خیلی زود یاد می‌گیرند که تنها بر روی تعداد بسیار محدودی از سهام متمرکز شوند

و کار کنند، چون در می‌یابند که نمی‌توانند همزمان مراقب تعداد زیادی سهام باشند. هنگامی که آنها در شناخت رفتار آن سهام خاص مهارت کافی به دست آوردند، می‌توانند بر روی سهام بیشتری کار کنند. انجام درست معاملات چندان هم دشوار نیست: لازم است، به طور مثال بر اساس سیستم تکنیکالی که دارید، به خود بگویید اگر rsi پایین تر از 70 بیاید، سهم را خواهم فروخت و اگر از 20 بالاتر رود، آن را خواهم خرید. هنگامی که تمرکز شما توسط افکار خارجی یا عوامل مزاحم از بین می‌رود، انجام معامله با قطعیت کافی بسیار دشوار خواهد شد. تمام معامله‌گران باید تمرکز و فراموش کردن عوامل مزاحم مانند درد جسمی خفیف یا ناراحتی‌های روزمره را با خود تمرین کنند تا رفته رفته در انجام تمرکز قوی‌تر شوند.

### خشنودی پایدار

در گذشته نمی‌دانستم که مسرت پایدار چه اندازه در انجام معاملات با قطعیت بیشتر می‌تواند اثر بخش باشد. کرامر می‌گوید، مسرت پایدار دو جنبه دارد: اولین مورد آن است که سیستم خود را پیش از انجام معامله به خوبی بشناسید. وقت کافی برای شناخت سیستم خود و چگونگی کارایی آن در شرایط گوناگون بازار صرف کنید. شناخت بهتر سیستم اعتماد به نفس کافی برای انجام معاملات بهتر را به شما خواهد داد. جنبه دوم این است که به خوبی از سیگنال‌ها و پیام‌های سیستم خود پیروی کنید. البته باید دانست و مطمئن شد که هر سیگنال معاملاتی نمی‌تواند موفقیت‌آمیز عمل کند، اما در طول زمان سودهای دریاقتی بیشتر از زیان‌ها خواهد بود. باید آزمایش‌های خود شما این نکته را ثابت کند. اعتقاد به اینکه سیستم شما در طول زمان و بر اساس تجارب قبلی که داشته‌اید، خوب عمل می‌کند، باعث خواهد شد تردید را از خود دور کنید. بگذارید

## .....خرید در کف و فروش در سقف.....

یکی از بزرگترین اشتباهات معامله‌گران همین مورداست. کسانی که با رسیدن قیمت به یک کف معتبر یا تاریخی با این خیال که زودتر از دیگران وارد شوند و نوسان‌های آینده را از دست ندهند اقدام به خرید میکنند و پس از خرید آنها بازار به روند خنثی می‌رود و پس از چند روز کف جدیدی را می‌سازد و خریداران را با زیان همراه می‌کند. باید عادت کنیم تا روند رویه رشد محسوسی شکل نگرفته اقدام به معامله نکنیم. هنگام فروش هم همینطور. رسیدن به یک قیمت بالایی جدید و تشکیل سقف قیمتی نمیتواند سیگنال فروش تلقی شود. تو بازار خودمان بارها دیده‌ایم که سهمی پس از رسیدن به قیمتی بالا با عرضه‌هایی همراه شده و پس از دو روز دوباره به روند خود ادامه داده و سقف جدیدی را می‌سازد جایی که فروشندگان با زیان یا پشیمانی همراه میشوند "کرماشا و شبندر و چند نماد دیگر نمونه‌های بارزی هستند. از دست دادن چند درصد در صعود قیمت برای اطمینان از شکل‌گیری روند صعودی بهتر از خرید به امید آغاز روند است. و از دست دادن چند درصد در فروش در سقف به ریسک انتظار برای صعود مجدد می‌ارزد.

یک ضرب المثل قدیمی در بازار های مالی میگوید:  
"تنها یک عده در کف کف می خرند و در سقف سقف میفروشند : دروغ گوها"

یاد گرفتم وقتی سهم منفی است مقاومت کنم و سهمم و نفروشم. الان دارم تمرین میکنم  
وقتی سهم مثبت است سهم و نفروشم و تا زمانیکه سهم به هدف قیمتیتم نرسید نفروشم.  
نکات قابل توجه در فروش یک سهم

فرض کنید شما سهمی را به قیمت 100 تومان خریده اید، دید کوتاه مدت تا میان مدت دارید،  
سهم بنیادی خوبی دارد، چند حالت برای فروش سهم متصور خواهد بود:  
اول اینکه شما تارگت قیمتی بگذارید. مثلاً بگویید 110 میفروشم . یعنی 10% سود تمام  
محاسبات بدون در نظر گرفتن سهم کارگزار و مالیات است  
دوم اینکه شما تارگت قیمتی سهم رو در نظر بگیرید. مثلاً بگویید سهم تا 120 میرود و من  
118 میفروشم.

و به همین منوال...

خب، کدام حالت بهترین حالت خواهد بود و باعث خواهد شد بازدهی سبب همیشه روی  
درصدهای مثبت باقی بماند؟

اگر ریسک پذیری شما کم است و میخواهید 100% همیشه در سود باشید ، هنگامی که  
قیمت سهم به تارگت مدنظرتان موقع خرید رسید، آن را بفروشید و اگر اینطور نیست به  
مرحله بعدی بروید.

تمامی شاخصها و اندیکاتورهایی که موقع خرید سهم مدنظر داشته اید و سیگنال خرید داده  
بودند را مجدداً مرور کنید . اگر هنوز سیگنال خروج صادر نکرده بودند به مرحله بعدی  
بروید.

اگر بیش از 50% احتمال میدهید که روند با مشکل مواجه خواهد شد سهم را به صورت  
تکنیکال جدی تر بررسی کنید.

تمامی فرصت ها و تهدید های پیش روی سهم را همیشه مد نظر داشته باشید. اگر تهدید ها  
را بیشتر از فرصت ها ارزیابی میکنید تکنیکال سهم را جدی تر بررسی کنید.

-اگر احساس کردید که درحال توجیه روند سهم هستید یا دچار عارضه طمع یا ترس شده اید  
تکنیکال سهم را جدی تر بررسی کنید.

-شاخص مثبت کل بازار ، میزان سرمایه ورودی به سهم ، حجم معاملات بالا در قیمت های  
بالا عواملی میتوانند باشند که توجیه فروش را کمتر میکنند.  
تنها راهی که میشه شما رو تبدیل به یک معامله گر موفق در بورس کنه اینه که به طور

جدی اونو به چشم یک شغل ببینید نه یک تفنن و یا حتی کار دوم و آگه در عمل کار دومتونه تو ذهن به عنوان کار اول و تنها شغلتون بهش نگاه کنید .

در خصوص خرید و فروش سهام:

بزرگان این حرفه میگن:

هر گاه سهمی رو میخری دلیلش رو هم یادداشت کن

هر گاه سهمی رو میفروشی دلیلش رو هم یادداشت کن

نتیجه اینکه بعد از یه مدت خیلی خوب متوجه خواهی شد که به کدامیک از دلایل بیشتر باید اهمیت داد و قابل اعتنا هستند. و این روند درصد کسب سود را نسبت به زیان افزایش خواهد داد

در خصوص جو گیر شدن در روند منفی سهم:

گاهی وقتها يك سهمي در حال منفي شدن بوده كه بعضا "جوگیر ميشيم مثلا" توي حداكثر منفي مي خريم به اميد اينكه فردا با قيمت خوبي بتونيم بفروشيم اما يك نکته اي اينجا وجود داره و اونهم اينه وقتي سهمي منفي ميشه احتمال داره فرداشم توي حداكثر منفي معامله بشه اونوقت تكليف چيه به تجريره ثابت شده هميشه سعي كنيم وقتي سهمي داره منفي ميشه سعي كنيم توي سومين روز منفي شدنش خريد كنيم علي الخصوص آگه سهم بنيادي خوبي داشته باشه به نظر من اينجوري ضرر كمتره مي كني و احتمال رسيدن به سود دهی هم بيستره

در خصوص جو گیر شدن در روند مثبت سهم:

گاهی وقتها هم امکان داره سهمي توي حداكثر مثبت معامله ميشه و ما جوگیر ميشيم و ميريم توي صف خريد اما بهتره هميشه قبل از اينكه بریم توي صف خريد اون سهم رو بررسی كنيم و پيش خودمون بگيم من براي چي اين سهم رو دارم مي خرم مثلا "قنديها خردشون نزديك اعلام گزارشات نه ماهه توي نيمه دوم ديماه مي تونه منطقي باشه همچنين موقعيكه خبر حتمي شدن افزايش نرخ شكر اعلا بشه خريد توي صف خريد كاملا" منطقيه در غير اينصورت آگه دليل قانع كننده اي براي ايجاد روند صعود وجود نداشته باشه ممكن از صف خريد به صف فروش برسه و در عرض يك روز يك ضرر 8 درصدي بكنيم و ريسك كار خيلي بالا ميرد

در باب شناخت زمان مناسب ورود به يك سهم:

شناخت تاريخ ورود به يك سهم در جهت كسب حداكثر بازدهي يكي از عوامل بسيار مهم در كسب حداكثر بازدهي هست مثلا" يه سهمي مثل فايرا قبل از افزايش سرمايه اش از سود انباشته تا ميزان 360 درصد خبر مي داد اين در واقع حكم طلا رو داشت حالا كساييكه دقيقا" روز آخري كه سهم باز بود و صف فروش سنگيني براش درست شده بود تو قيمت حدود 2300 تومن اين سهم رو خريدند بعد از بازگشايي مجمع امروز حدود 40 درصد سود بردند چون توي مجمع 268 درصد افزايش سرمايه داد و با قيمت بالاي 870 تومن نمادش باز شد و سهامداراش رو خيلي خوشحال كرد .

## استراتژی خرید و فروش سهام:

اول اینکه درصد سبد رو رعایت کن  
دوم قیمت ورود به سهم از اهمیت بسار زیادی برخورداره هرچی با قیمت کمتر بخری  
همونقدر بهتره  
سوم استراتژی برای ورود و خروج همیشه رعایت کن  
چهارم، بر اساس استراتژی و تحلیل و قدرت ریسک پذیری و ... برای خودت حد ضرر  
تعیین کن.  
پنجم، بر اساس همون استراتژی و تحلیل و قدرت ریسک پذیری و ... عمل کن و در کسب  
سود هم طمع نکن.  
ششم، با پول قرض و وام و در کل منابع مالی کوتاه مدت، سهم نخر! مگر اینکه در  
استراتژی شما، جایی برای  
ورود و خروج این پولها تعریف شده باشد و عواقب آن مشخص، و محل تامین و جایگزینی  
آن (در اثر زیانهای  
احتمالی)، به سادگی فراهم باشد!  
هفتم اینکه بازار سرمایه، جایی برای آدمهای عجول نیست! باید صبور باشی.  
هشتم اینکه خرید، فقط باید از روی تحلیل باشد. خرید با تحلیل، تاثیر مستقیم در آرامش خاطر  
سهامداران، در  
افت و خیز قیمت سهام دارد!!  
نهم اینکه، بازار بورس پر از شایعه است. شایعات را گوش کن. اما به اندازه همان شایعه در  
تحلیل خودت دخیل  
کن!! شایعات به صورت مقطعی بر روی قیمتها اثر می گذارند ولی قیمت سهام در میان مدت  
و بلند مدت، به  
سمت ارزش ذاتی خود حرکت میکند. پس نوسان، ذات بازار است و دلیل نوسانات هم، همین  
اخبار و شایعات  
هستند.  
دهم اینکه، موارد 9گانه مطرح شده در بالا، همه آن چیزی نیست که یک سرمایه گذار باید  
بداند!

## آشنایی با اشتباهات رایج معامله گران

کمبود دانش: یکی از اصلی ترین دلایل معاملات زیان آور، کمبود یا نداشتن دانش و آگاهی  
لازم نسبت به شرایط و واقعیات بازار می باشد. معامله در بازار مبادلات ارز نیز مانند هر  
حرفه دیگر، نیازمند دانش و تجربه کافی است.

معاملات احساسی: این مورد آسیب رسان ترین دلیل برای از بین رفتن حساب می باشد.  
معاملاتی که برگرفته از برنامه و روش معاملاتی نیست با احساس تریدر سرو کار دارد و به  
علت اینکه برای این معاملات از تفکر و تعقل استفاده نشده عموماً زیان آور هستند. احساسات  
گونگونی می تواند در معاملات دخیل باشد اما یک نکته در تمام احساسات معامله گران  
یکسان است، تمامی معاملات احساسی منجر به ضرر میگردند. احساس غالب، در اکثر  
موارد طمع برای کسب سود بیشتر است. در حالی که جلوگیری از ضرر نکته مهم تری

است. احساسات خود را بشناسید و در زمان ترید کردن تا حد امکان آنها را کنترل کنید.

معاملات زیاد: معاملات زیاد (over trading) معمولاً به این دلیل انجام می شود که معامله گرتمايل دارد تمام حرکت های بازار را بدون کم و کاست شکار کند. این امر تقریباً محال است و بزرگترین تحلیل گران و معامله گران دنیا نیز این کار را انجام نمی دهند.

معامله با حجم زیاد: حجم زیاد معاملات، ریسک سرمایه گذار و آسیب پذیری سرمایه را افزایش می دهد. هنگامی که یک معامله گر با حجم بالا معامله می کند، با تعداد کمی معامله ضررده می تواند کل حساب خود را از دست بدهد.

اعتماد به پیش بینی دیگران: از معاملات دیگران برداشت و الگوبرداری نکنید، شرایط حساب، دیدگاه و دلایل افراد با یکدیگر برای حضور در بازار متفاوت است. هر کسی حتی در صورت استفاده از پیش بینی دیگران مسئول حساب خویش است، مگر آنکه کل مدیریت حساب خویش را به تریدری دیگر بدهد. تا حد امکان از تحلیل خود پیروی کنید.

نداشتن حد ضرر (استاپ لاس): نداشتن استاپ لاس به معنی این است که معامله گر حدی برای اشتباه خویش متصور نیست، هر انسانی امکان اشتباه دارد و حد ضرر امکانی برای جلوگیری از فاجعه بار بودن اشتباهات می باشد. قبل از آغاز معامله حد ضرر خود را بشناسید. در زمان معامله اغلب معامله گران تحت تاثیر ترید خود قرار می گیرند و از لحاظ روانی برایشان سخت است که حد ضررشان را بپذیرند. در زمان معامله تغییر حد ضرر عموماً منجر به زیان های بیشتر می شود. هیچ زمانی حد ضرر خود را خلاف جهت معامله خود تغییر ندهید. یعنی مقدار حد ضرر خود را بیشتر نکنید.

معامله خلاف روند: عموماً بیشتر برنامه ها و روش های معاملاتی برای استفاده از جهت حرکت بازار استفاده می شوند. هم جهتی معاملات با روند اصلی، امکان سود بیشتر و ریسک کمتر را به همراه دارد. تا زمانی که برنامه و روش امتحان شده شما معاملات خلاف جهت را تایید نکرده است از معامله در خلاف روند اصلی بازار بپرهیزید.

نداشتن استراحت: هر از گاهی به خود استراحت بدهید. کار کردن پیوسته انسان را خسته و دلزده میکند. نمی گویم بازار را زیر نظر نداشته باشید اما گهگاهی از بازار فاصله بگیرید و پس از استراحت، دوباره شرایط را بررسی کنید. حتی برای معاملات خود نیز استراحت را فراموش نکنید. اگر سیستم شما بصورتی است که نیاز به زیر نظر گرفتن بازار دارد در مواقع خستگی از کامپیوتر خود فاصله بگیرید. ساعاتی را که فکر می کنید بازار حرکات چندانی ندارد به استراحت بپردازید و بعد به بازار برگردید. برای کسب درآمد سلامتی خود را به خطر نیندازید. ذهن شما مهمترین ابزار حضور شما در بازار است با استراحت راندمان و بازده کاری آنرا بالا ببرید.

## تحلیل تکنیکال

تحلیل تکنیکال به عنوان یکی از مفیدترین ابزارها در خدمت سرمایه گذاری در بازارهای مالی است. در عین حال این یک ابزار مطلق نیست و در هر شرایطی کار نمی کند. مهمترین شرایطی که تکنیکال جوابگو نیست به شرح ذیل است:



زمانی که بازار در روند غیرعقلانی **Crazy Mood** به سر می برد. در این حالت ترس افراطی یا خوش بینی افراطی روند بازار را تعیین می کند و شاهد روند پرشیب خرسی یا گاوی هستیم که حرکات بازیگران و روند حرکتی بازار قابل پیش بینی نیست .

زمانی که کلیت بازار یا یک سهم خاص مورد دستکاری قرار می گیرد و نیرویی خارج از معادلات بازار آزاد، روند را تعیین می کند. این پدیده در بورس ایران هم در قالب سفته بازی در برخی سهم ها و هم بعضا دستکاری در بازار برای حفظ شاخص مشاهده می شود. دستکاری بازار یا یک سهم، روند آزار بازار و نتیجتا معادلات تحلیل تکنیکال را بر هم می زند .

موضوع مهم دیگر، این که باید توجه نمود هر یک از اندیکاتورها در شرایط خاصی اهمیت بیشتر یا کمتری دارند و استناد درست و به موقع به هر یک از اندیکاتورها اهمیت زیادی دارد. به عنوان نمونه، **MACD** که مهم ترین اندیکاتور برای صدور سیگنال خرید و فروش است در زمان هایی که بازار بی روند و سردرگم است خیلی خوب کار نمی کند. ممکن است در چنین بازاری، این اندیکاتور بارها سیگنال خرید و فروش صادر کند اما این سیگنال ها فقط در چارچوب روزانه معتبر خواهد بود .

تایم فریم مورد نظر در تحلیل های تکنیکال بسته به ماهیت بازار متفاوت خواهد بود. معمولا توصیه می گردد صرف نظر از تایم فریم مورد نظر، هر روز به رفتار کندل ها با دقت نگاه شود تا بتوان در خصوص تداوم اعتبار تحلیل اطمینان حاصل نمود.

تحلیل تکنیکال ذاتا یک ابزار به شدت انتزاعی است و سلیقه و تعصب تحلیلگران در نتایج آن تاثیرگذار است. بنابراین ممکن است افراد مختلف از اطلاعات واحد نتایج متفاوتی ارائه دهند. هرچه ضریب واگرایی میان تحلیل های مختلف بیشتر باشد تحلیل ها مغشوش تر و غیرقابل اتکاتر خواهد بود .

تحلیل تکنیکال یک استراتژی سرمایه گذاری کوتاه مدت است هرچند بسیاری از تحلیلگران این موضوع را انکار می کنند. حتی بزرگترین شرکتهای سرمایه گذاری بین المللی، خبره ترین چارتریست ها را برای کسب درآمد کوتاه مدت از بازار استخدام می کنند و برای یک سرمایه گذاری بلندمدت، استراتژی های متفاوتی دارند. بنابراین اتکای بر تحلیل تکنیکال در سرمایه گذاری بلندمدت اصولی نیست .

و صد البته تحلیل تکنیکال تا زمانی موثر است که متغیرهای فاندامنتال دچار دگرگونی نشود و اخبار پیش بینی نشده درباره بازار یا سهم بروز پیدا نکند. اینجاست که رهیافت ترکیبی تکنوفاندامنتال اهمیت می یابد

## نکته که در سرمایه گذاری نباید فراموش کنید

سرمایه گذاری به معنای به تعویق انداختن مصرف فعلی برای به دست آوردن منافع بیشتر در آینده است. در حقیقت سرمایه گذار به امید به دست آوردن سود بیشتر در آینده از ارزش

های کنونی چشم پوشی می کند.

به گزارش بانکی دات آی آر برای سرمایه گذاری سه روش مستقیم، غیر مستقیم و نیمه مستقیم وجود دارد که هر یک در جایگاه خود قابل استفاده است.

### روش مستقیم

در این روش بین سرمایه گذار و سرمایه پذیر رابطه مستقیم برقرار می شود. این شیوه اغلب بین دوستان و آشنایان نزدیک انجام می گردد.

### روش غیر مستقیم

در روش غیر مستقیم بین سرمایه گذار و سرمایه پذیر یک موسسه مالی به عنوان واسطه عمل می نماید. به عبارتی سپرده گذار / سرمایه گذار وجوه خود را در اختیار این موسسات قرار می دهد و سرمایه پذیر نیز از طریق این موسسات منابع مالی لازم را تامین می نماید. در این روش ریسک مربوط به سرمایه گذاری و یا وام دهی بعهدده واسطه موسساتی که به عنوان واسطه مالی عمل می نماید.

### روش نیمه مستقیم

روش نیمه مستقیم بین سرمایه گذار و سرمایه پذیر، موسسات تخصصی مانند بانک های سرمایه گذاری **Investment Banks** قرار می گیرند. این نوع موسسات تخصصی پس از مطالعه دقیق میزان احتیاجات سرمایه پذیر، نحوه استفاده از وجوه، تعیین مناسب ترین نوع اسناد و اوراق بهادار (سهام عادی، سهام ممتاز، اوراق قرضه، اوراق قرضه قابل تبدیل به سهام یا ابزار دیگر)، ابزار مورد نظر را پذیره نویسی (**Underwrite**) نموده به سرمایه گذاران (شامل موسساتی چون بیمه ها و صندوق های بازنشستگی و اشخاص حقوقی) به فروش می رسانند. این موسسات نقش "متخصص" و "کارگزار" را بازی می نمایند و خود سرمایه گذار بلند مدت در اوراق بهادار نمی باشند. اوراق سهام یا قرضه خریداری یا تعهد شده توسط این موسسات پس از مدت کوتاهی به فروش می رسد. بانک های سرمایه گذاری از جمله واسطه های مالی موقت می باشند که در روش نیمه مستقیم وظیفه انتقال وجوه از سرمایه گذاران به سرمایه پذیران را به عهده دارند.

اما صرف نظر از این که از کدامیک از روش های سرمایه گذاری استفاده می کنید و اینکه میزان سرمایه شما چقدر است رعایت این شش نکته برای رسیدن به هدف اصلی سرمایه گذاری که کسب سود بیشتر است ضروری است:

هرگز بر روی آنچه از آن اطلاعات ندارید سرمایه گذاری نکنید

اغلب کسانی که در سرمایه گذاری شکست می خورند مهم ترین علت این امر را بی اطلاعی یا کم اطلاعی از سوژه سرمایه گذاریشان می دانند و حسرت می خورند که کاش مطالعه بیشتری کرده بودم.

این به این معنی نیست که بر روی تکنولوژی های جدید یا آنچه در آن تخصص ندارید

سرمایه گذاری نکنید بلکه به آن معناست که در مورد آنچه در آن سرمایه گذاری می کنید مطالعه کنید و یا از مشاوران آگاه در آن زمینه استفاده کنید.

### ریسک پذیر باشید

چشم بسته عمل کردن به معنای ریسک پذیر بودن نیست بلکه ریسک پذیری بدان معناست که در عین اینکه عاقلانه عمل می کنید جسارت گرفتن تصمیم های قاطع را داشته باشید چراکه ترس بیش از اندازه موفقیت شما را به تاخیر می اندازد و حتی ممکن است آن را غیرممکن سازد.

### رازدار باشید

یک سرمایه گذار حرفه ای رازهای حرفه ای اش را فریاد نمی زند و در هر محفلی از راز و رمز تجارتش سخن به میان نمی آورد چراکه در عصر اطلاعات آنچه سبب تمایز شما از دیگران می شود اطلاعاتتان است بنابراین برگ برنده خود را به رایگان حراج نکنید.

### اجتماعی باشید

این اصل به هیچ وجه با رازداری در تضاد نیست بلکه دقیقا مکمل اصل پیشین است . یک سرمایه گذار خوب با سایر همکاران , دست اندر کاران مورد سرمایه گذاری و حتی رقبای خود در ارتباط است چراکه حضور در فضا های حرفه ای معلومات شما را خواهد افزود و اعتماد به نفستان را دوچندان می کند.

### برای سرمایه گذاری پول اصل نیست

بسیاری بر این تصور اند که برای آنکه یک سرمایه گذار موفق باشیم می بایست حتما ثروتمند باشیم. درحالی که این تصور به هیچ عنوان صحیح نیست بلکه یک سرمایه گذار موفق از کمترین سرمایه بیشترین سود را می برد و به این ترتیب به صورت مستمر به سرمایه اش می افزاید.

بسیاری از سرمایه داران مطرح معاصر افراد ثروتمندی نبوده اند بلکه افرادی بوده اند که از موقعیتشان بهترین بهره را برده اند.

### طمع نکنید

بسیاری از سرمایه گذاران به این آسیب طمع دچار شده اند و حتی کل دارایی خود را از دست داده اند. بنابر این وسوسه های سود عالی را با دیده تردید بنگرید و تلاش کنید معقولانه تصمیم بگیرید.